**تئوریسین اصولگرایان:**

**وقت کمی داریم! موج سهمگین تر اعتراض در راه است.**

هفت پاسخ به هفت پاسخ محبیان!

پاسخ محبیان به هفت سوال تابناک خواندنی است. چندین بار تاکید میکند که وقت خیلی کمی داریم باید به سرعت جنبید. او "امواج سهمگین تر اعتراض" را به روحانی گوشزد میکند و از حساسیت اوضاع میگوید و اینکه "اعتراضات دیماه فوران مطالبات انباشته مردم بود".

اجازه بدهید به تک تک نکات تئوریسین اصولگرایان بپردازیم:

- محبیان: "شخصا براين باورم كه دولت های (پيشين و فعلی) در ظهور پديده اعتراضات موثر بوده اند و مطالبات انباشته ناگهان در ديماه ٩٦ فوران كرد. شايد بخشی از  مشكلات از آنجاست كه ما با طبقه ای از اشراف نوين حكومتي مواجه شده ايم كه دغدغه های آنها فرسنگ ها با دغدغه مردم كف خيابان فاصله دارد". به زبان آدمیزاد اشراف حکومتی یا طبقه اقلیت سرمایه دار و حکومت اسلامی شان در طول حاکمیت خود با فساد و سرکوب و تحمیل فقر و محرومیت و تحمیل یک حکومت فوق ارتجاعی مذهبی به مردم، زمینه ساز فوران خشم مردم بوده اند. راه حل نیز از بین بردن دولت های پیشین و فعلی یعنی کلیت جمهوری اسلامی و سلب مالکیت از این طبقه اشراف است.

ـ "مردم معترض برانداز نیستند؛ مسئولان ناکارآمد براندازند". محبیان لیستی از نهادها از دولت و بازرسین و قوه قضاییه را اسم میبرد. از نظر او نیمی از جمهوری اسلامی برانداز است. حالا حساب کنید مردمی که چنین دزدان و جانیانی بر آنها حاکم شده اند چقدر براندازند! "چرا مسئولی را كه بدون كفايت پست مي پذيرد و مردم را به نظام اسلامی و دين بدبين مي كند؛ ضد انقلاب نمی دانيم ولي آن كارگر و كارمند محروم را كه گرسنگی اش را فرياد مي زند، مقصر می شناسيم؟" شوخی میفرمایید! دین و نظام اسلامی اساس اعتراض و نفرت و عصبانیت مردم است. مثل اینکه نمیدانید حتی آقازاده هایتان هم از اینهمه اسلامیت حکومت حالشان بهم میخورد و برانداز شده اند!

- "هيزم هايي كه آتش را شعله ور مي كند در مجموعه مديريتي است نه در خيابان ها! راه را اشتباه نرويم". واقعا؟ فکر نمیکنید دارید حکومتتان را گمراه میکنید و راه را اشتباه نشانشان میدهید! کسی که کمی بیشتر از نوک دماغش را ببیند هم اینرا میفهمد که اگر حتی مشکل از مدیریت باشد از چهل سال مدیریت بد به این نتیجه میرسد که مشکل جای دیگری است. تا وقتی حکومت اسلامی با این قوانین و با انبوهی دزد و فاسد سر کار باشد، صدهزار مدیر از دانشگاه هاروارد هم وارد سیستم کنید، آش همان آشن خواهد بود. آن مدیران هم به صف بقیه دزدان خواهند پیوست. گویی دزدی های مقامات و آیته الله ها و دستمزدهای پنج بار زیر خط فقر و اعدام و شکنجه و جنایت و شلاق زدن و بحران اقتصادی و سیاسی حکومت از بد مدیریتی است!

- "اگر رييس جمهور مايل است هدف امواج سنگين تر اعتراض نباشد بايد به سرعت دست به كار گردد. روحاني آنقدر هوشمند هست كه حساسيت شرايط را بفهمد". و باید اضافه کرد که روحانی آنقدر هوشمند هست که بداند خط خامنه ای هم مدتها است به بن بست رسیده و ادامه آن سرعت سرنگونی را بیشتر میکند.

ـ "زمان کمی برای جراحی بدنه مدیریتی بیمار کشور داریم. هر گونه مسامحه فرصت را از دولت گرفته و به ديگران (منظورش اپوزیسیون است) خواهد داد؛ اگر الان درمان نكنيم در آينده نه چندان دور با جراحي های پرهزينه مواجه خواهيم بود. زمان بسيار كم است. "

جراحی نکرده دارند سرنگونتان میکنند. وای به روزی که جراحی هم بکنید و نیمی از پشتوانه حکومتتان را از دست بدهید و آنها را هم به صف ناراضیان برانید! در واقع زمانی باقی نمانده است. نه حکومت قادر است نیمی از خود را جراحی کند و نه مردم نیمه باقیمانده را حاضرند قبول کنند. شعار مردم این بود اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا!

- "دهان هاي معترض و منتقد را نمي توان بست و نبايد بست. بايد بجای  شكوه و شكايت از انتقاد اين يا آن، باید دلايل شكايت ها را شناخت و علت زدايی كرد." مردم حکومت را به مرگ گرفتند و حکومت در قدم اول به تب راضی شده است. از خامنه ای تا روحانی و محبیان فعلا قبول کرده اند که دهان معترضین را نه میتوانند ببندند و نه باید ببندند! یک نتیجه "موج سهمگین اعتراض" عقب راندن همه حکومتیان به این نقطه بود که بگویند اعتراض آزاد است. و این راه سرکوب را دشوارتر میکند.

- "رييس‌جمهور نبايد رهبر اپوزيسيون يا نظريه پرداز همه چيزدان باشد. نباید در تریبون ها اعلام کند که دانشجویان و افرادی که صرفا معترض بوده اند باید آزاد شوند." این عبارات، هم سرنوشت بعدی روحانی را مشابه سرنوشت موسوی و کروبی نشان میدهد و هم اینکه اعتراضات دیماه، شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را حتی بر زبان رئیس دولت اسلامی هم جاری کرده است!

ـ "احترام به مردم و پذيرش حق آنها براي اعتراض اولين كاری است كه بايد رخ دهد. اعتراض را بايد به عنوان حركتي درون سيستمی پذيرفت نه عليه سيستم. فراموش نكنيم صدای مردم صدای انقلاب اسلامي است نه عليه آن. برای حمايت از منافع بعضی افراد بی كفايت نبايد مردم بويژه مستضعفان و محرومان را كه پشتوانه اصلی انقلاب اسلامي هستند؛ كنار نهاد".

اصلاح طلبان هشت سال دوره خاتمی و پنج سال و نیم دوره روحانی تلاش کردند سفره حکومت را کمی پهن تر کنند با این خیال خام که با پذیرش منتقدین نیم بند به درون سیستم، از دامنه نارضایتی و اعتراض کم کنند. نتیجه اش را دیدیم! حالا قرار است مردمی که با شعار مرگ بر خامنه ای مرگ بر جمهوری اسلامی در سراسر کشور به میدان آمدند را هم درون سیستم کنند! اما صرفنظر از این چرندیات تئوریسین اصولگرایان، یک چیز واضح است: نمیتوانیم مردم معترض را سرکوب کنیم. باید حق مردم به اعتراض را محترم شماریم.

اما لب مطلب محبیان این جمله است: "تحقق وعده های روحانی اگر نگوييم ناممكن، حداقل فعلا بسيار دشوار است". و میدانیم که روحانی یک هزارم انتظارات مردم را هم به زبان نیاورده بود و قرار نبود به زبان بیاورد، چه برسد به تحقق انتظارات مردم. در واقع تئوریسین اصولگرایان صورت مساله را و حساسیت اوضاع و اینکه حکومت وقت کمی دارد را میفهمد اما راه حلی ندارد. اما این تقصیر او نیست. ایشان هم اینقدر هوشیار هست که بداند بعد از اینهمه هشدار دادن ها و اینکه باید ریشه ها را شناخت و خشکاند، باید راهی به حکومت نشان بدهد. اگر راهی ندارد بدلیل کم هوشی او نیست. بدلیل بن بست حکومت است. هیچکدامشان راهی ندارند و اینرا هم خودشان میدانند و هم همه مردم. راه فراری برای حکومت باقی نمانده است.